

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۰

## «نگاهی گذرا به تأثیر ابن عربی در تصوّف جهان مالایی»

محمودرضا اسفندیار<sup>۱</sup>

فائزه رحمان<sup>۲</sup>

### چکیده:

ابن عربی بی‌شک یکی از مهمترین شخصیت‌ها در تاریخ تصوّف و عرفان اسلامی به شمار می‌رود. شاید کمتر شخصیتی را در تاریخ فرهنگ اسلامی بتوان سراغ گرفت که تا این اندازه دایره موافقان و مخالفان او گسترده باشد. اندیشه او به هر کجای جهان اسلام راه یافت، مناقشه برانگیز شد؛ هم مریدان و تابعان وفاداری یافت و هم منتقدان و مخالفان سرسختی پیدا کرد. در دیگر نقاط جهان اسلام از جمله جهان مالایی نیز کمابیش چنین وضعی حاکم بوده است. مردمان این منطقه دور از ام‌القرای اسلام، از اسلامی عارفانه تبعیت می‌کرده‌اند. اساساً صوفیان و طریقه‌های تصوّف نقش اصلی در اسلامی شدن این منطقه ایفا کرده بودند. شماری از این طریقه‌ها (مانند قادریه) بسیار تحت تأثیر مکتب ابن عربی خصوصاً نظریه «وحدت وجود» او قرار داشتند. در تصوّف جهان مالایی نیز وحدت وجود بسیار مؤثر واقع شد و موافقان و مخالفان فراوانی یافت. از شخصیت‌ها و عارفان تأثیرگذار در عرفان و تصوّف جهان مالایی که از جمله موافقان و منتقدان ابن عربی به شمار می‌روند، باید از حمزه فنصوری، شمس‌الدین سوماترانی، عبدالصمد پالمبانی، نورالدین رانیری و عبدالرئوف سینگگیلی یاد کرد

### کلید واژه‌ها:

جهان مالایی، عرفان و تصوّف، ابن عربی، وحدت وجود، انسان کامل.

---

۱- گروه علوم انسانی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران، نویسنده مسئول: mresfandiar@gmail.com

۲- هیئت علمی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، گروه مطالعات شبه قاره هند، شرق و جنوب شرق آسیا.

## پیشگفتار

دنیای اسلام گستره‌ای وسیع از شرق تا غرب جهان را به خود اختصاص داده است. امروزه مهمترین کانون جمعیت مسلمانان جهان، در جنوب شرقی آسیا، یا همان جهان مالایی، با قریب به ۲۵۰ میلیون مسلمان است. جهان مالایی یا مجمع‌الجزایر ملایو، منطقه‌ای وسیع از جنوب شرق آسیا به شمار می‌رود که مردم مالایی تبار را در خود جای داده است. تقریباً همه مالایی‌ها مسلمان‌اند و در کشورهای بروئی کنونی، اندونزی، مالزی، سنگاپور، تایلند جنوبی و فیلیپین زندگی می‌کنند. گسترش اسلام در منطقه مرهون علل چندی است که از آن جمله می‌توان به مجاهدت‌های عالمان، عارفان و بازرگانان مسلمان اشاره کرد. اسلامی شدن این منطقه تا قرن نهم/ پانزدهم طول کشید، و صوفیان در این فرآیند نقش مهمی داشته‌اند. تصوف و عرفان اسلامی بی‌شک از مهمترین مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی در جهان مالایی به شمار می‌رود. ظاهراً صوفیان پس از سقوط بغداد به دست مغولان، همراه با تاجران و کشتی‌های بازرگانی، تعالیم اسلام را همراه با افکار صوفیانه به مالاکا (واقع در مالزی امروزی) آوردند.<sup>۱</sup>

مشهورترین نماینده اندیشه وحدت وجود، در آسیای جنوب شرقی حمزه فنصوری است<sup>۲</sup> که از پیروان اشاعه تفکر اسلامی در این منطقه محسوب می‌شود. مرید او، شمس‌الدین سوماترانی، نیز صاحب‌آثاری در کلام و عرفان بود.<sup>۳</sup> فنصوری و شمس‌الدین سوماترانی قلیل رفیع تصوف در جنوب شرق آسیا به شمار می‌روند و دیگران را در مقایسه با آنان باید دامنه کوه دانست.<sup>۴</sup> از دیگر صوفیان مهم این منطقه، نورالدین رانیری است. وی که از پیروان احمد سرهندی،

1. Cederroth, "Indonesia and Malaysia", p.265; Lapidus, *A history of Islamic societies*, p.248-249.

2. Azra, "Opposition to Sufism in the East Indies in the seventeenth and eighteenth centuries", p.672.

3. Ibid, p.672-673.

4. al-Attas, *Some Aspects of Sufism as Understood and Practised Among the Malays*, p.29.

صوفی اصلاح طلب هندی بود، در نفی تعالیم وحدت وجودی فنصوری و سوماترانی آثاری نوشت که شماری از آنها هنوز در مراکز دینی سنتی مالایی تدریس می‌شود.<sup>۱</sup> در قرن یازدهم و دوازدهم، میان آن دسته از علمای دینی که با تکیه بر آثار غزالی مدافع سرسخت عرفان متشرعانه بودند و صوفیانی که می‌کوشیدند عقاید عرفانی اسلامی را با اندیشه‌ها و مناسک آیین‌های هندو و بودا تلفیق کنند، بخصوص درباره وحدت وجود بحث‌هایی در گرفت که سبب ابهام و سردرگمی دینی مسلمانان مالایی شد.<sup>۲</sup>

تعالیم کیهان‌شناختی و مابعدالطبیعی مکتب صوفیانه ابن عربی به آسانی با باورهای هندی و اعتقادات رایج بومی و عرفانی در این منطقه سازگاری یافت.<sup>۳</sup> مفهوم ولایت و انسان کامل، ظرفیتی غنی برای مشروعیت عرفانی در اختیار حاکمان محلی قرار می‌داد که تا پیش از آن در دسترس شان نبود. در سلطان‌نشین کوچک بوتن<sup>۴</sup> (در جنوب شرق سلب<sup>۵</sup>)، نظریه صوفیانه تجلی در مراتب هفتگانه، برای تبیین و توجیه صدرنشینی طبقه حاکم در جامعه ای با نظام طبقاتی (با هفت طبقه)، مورد استفاده قرار گرفت.<sup>۶</sup>

ظاهراً شماری از حاکمان این مناطق از صوفیان حمایت و برای توجیه قدرت و مشروعیت حکومت خود از تعالیم عرفانی ابن عربی و مکتب او، مانند نظریه انسان کامل، استفاده می‌کردند.<sup>۷</sup> از سوی دیگر مخالفان و منتقدان اندیشه‌های وحدت وجودی که از قضا اغلب از صوفیان بودند، در برابر تابعان ابن عربی به اعتراض بر می‌خاستند و از هر فرصتی برای ابراز مخالفت و حتی بعضاً محو رقیب بهره می‌بردند.

1. Hamid, "Kitab Jawi: intellectualizing literary tradition", p.214-215; Knysh, *Ismic mysticism: a short history*, p.286-287.

2. Cf. Maier, "Malay and Indonesian literature", *The Oxford encyclopedia of the modern Islamic world*, vol.3, p.29-30.

3. Lapidus, Loc.cit.; Azra, "Education, law, mysticism: constructing social realities", p.168; Bruinessen, "Origins and development of the Sufi orders (tarekat) in Southeast Asia", p.2.

4. Buton

5. Celebes

6. Bruinessen, Loc.cit.

7. Azra, "Opposition to Sufism ...", p.66.

## ۱- تابعان ابن عربی

### حمزه فنصوری<sup>۱</sup>

حمزه فنصوری اولین صوفی مؤلف و بزرگترین شاعر و ادیب در میان صوفیان مجمع-الجزایر مالایی است. نام او از خاستگاهش، فنصور<sup>۲</sup> (همچنین باروس<sup>۳</sup>)، واقع در ساحل غربی سوماترا حکایت می‌کند؛ او در نیمه دوم قرن ۱۶ میلادی فعالیت داشته است اما تاریخ دقیق ایام زندگی او روشن نیست. او اندیشه‌های پیچیده و غامض عرفانی را در قالب نثر و نظم بیان می‌کرد. اندیشه‌های عرفانی او، از جنس وحدت وجود است. فنصوری خوش سفر هم بود و در اشعارش به دیداری که از مکه، اورشلیم و بغداد (در آنجا مقبره عبدالقادر گیلانی را زیارت کرد) داشته، اشاره کرده است.<sup>۴</sup> از چند فقره از اشعارش به طور ضمنی چنین بر می‌آید که او طریقه قادریه مربوط بوده است.<sup>۵</sup>

حمزه فنصوری از پایتخت سرزمین تائی<sup>۶</sup> (تایلند امروزی)، آیوتایا<sup>۷</sup> با نام فارسی آن، یعنی «شهر نو» یاد می‌کند. ظاهراً او در آیوتایا با اقلیت ذی نفوذ ایرانی در ارتباط بوده و از آنان فارسی، حکمت و عرفان آموخته است. وی همچنین به توصیف دریافت‌های عرفانی بسیار عمیقی که در آنجا تجربه کرده است، اشاره می‌کند. فنصوری در آثارش به کرات از حضرت علی - علیه السلام - یاد می‌کند و چنین می‌توان احتمال داد که شیعه شده باشد.<sup>۸</sup>

او در عرفان نظری سخت تحت تأثیر ابن عربی و پیرو او، عبدالکریم جیلی، بود. او با لویج جامی نیز به خوبی آشنایی داشته است. از بررسی آثار فنصوری چنین بدست می‌آید که او از اصطلاحات و مفاهیم عرفانی عارفان بزرگی نظیر غزالی، مولوی نیز بهره برده است.<sup>۹</sup> فنصوری

1. Hamzah Fansuri

2. Fansur

3. Baros

4. Azra, "Education, law, mysticism...", p.167; Idem, "Opposition to Sufism ...", p.672.

5. Idem, "Opposition to Sufism ...", Loc.cit.

6. Thai

7. Ayutthaya

8. Al-Attas, *The Mysticism of Hamzah Fansuri*, p.7; Marcinkowski, *From Isfahan to Ayutthaya*, p.49-54.

9. Knysh, op.cit., p.286; al-Attas, *Some Aspects of Sufism as Understood and Practised Among the Malays*, p.23.

فنصوری ظاهراً علاوه بر مالایی به عربی، فارسی می‌نوشته و سخن می‌گفته است.<sup>۱</sup> شاگرد برجسته او، شمس‌الدین سوماترانی نیز صوفی اندیشمندی بود که بر چند زبان تسلط داشت و آثارش را در زمینه تصوف و کلام به دو زبان مالایی و عربی می‌نوشت.<sup>۲</sup>

فنصوری و سوماترانی دو شخصیت برجسته اسلام عرفانی و سنت وحدت وجودی در تصوف منطقه مالایی به شمار می‌روند و اندیشه وحدت وجود را به عنوان یک نظام فکری در مجمع الجزایر مالایی گسترش دادند.<sup>۳</sup> بر اساس ابن تفکر، جهان یا همان عالم کثرت مجموعه - مجموعه‌ای از تجلیات و هر تجلی نمایانگر جنبه و جلوه‌ای از خدا یا عالم وحدت است.<sup>۴</sup> تفسیر عارفانه آنها از اسلام نه تنها در آنچه، بلکه در بخش وسیعی از دنیای مالایی با اقبال گسترده‌ای مواجه شد و همین امر اعتراض صوفیان متشرعی چون رانیری و سینگیلی را برانگیخت.<sup>۵</sup> رانیری، که خود را صوفی راست کیش و سنتی می‌پنداشت، فنصوری و اتباع او را صوفیانی بدعت‌گذار و مرتد خواند.<sup>۶</sup> با این که فنصوری و سوماترانی به بدعت و انحراف از دین متهم شدند، بر اهمیت شریعت در سیر و سلوک و طریقت تأکید می‌ورزیدند و باور داشتند که همبستگی عرفان و شریعت موجب تمایز مبانی تجربه عرفانی است. فنصوری در همین ارتباط، کتاب *شراب العاشقین* را نوشت. او در این کتاب بر اهمیت شریعت تأکید و اظهار می‌کند هر کس در حصن شریعت باشد، از گمراهی و وسوسه‌های شیطان در امان است و آن کس که این حصن حصین را ترک گوید و آن را خفیف و بی‌قدر شمارد و از آن رویگردان باشد، یقیناً کافر و نامسلمان است و ما از چنین کسی به خدا پناه می‌بریم؛ چرا که شریعت از طریقت جدا نیست. فنصوری برای نشان دادن نسبت شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت با یکدیگر از مثال کشتی استفاده می‌کند. او می‌گوید شریعت در حکم ستون فقرات این کشتی، طریقت عرشه، حقیقت محموله و کالای آن و معرفت سود و نفع حاصل از تجارت این کالا است. حال اگر ستون فقرات کشتی درهم شکند، کشتی بی‌شک غرق، و مال التجاره و سرمایه آن نیست و نابود می‌شود.<sup>۷</sup> با توجه به این مطالب، روشن می‌شود که دغدغه فنصوری

1. al-Attas, *The Mysticism of Hamzah Fansuri*, p.9.

2. Azra, "Opposition to Sufism ...", Loc.cit.

3. Ibid, p.673.

4. Loc.cit.

5. Azra, "Education, law, mysticism...", p.168-9

6. Idem, "Opposition to Sufism ...", Loc.cit.

7. Loc.cit.

برای حفظ احترام و منزلت شریعت و حدود آن از صوفیان متعصب و متشرعی چون رانیری کمتر نبود و شاگردان او از جمله سوماترانی نیز چنین موضعی داشتند.<sup>۱</sup> آثار فنصوری عموماً در حکم شرح و تفسیر تألیفات ابن عربی است.<sup>۲</sup> او اندیشه‌های خود را در باب تصوّف نظری تحت عناوین چهار مرحله طریقت عرفانی (شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت)، ماهیت هستی (وجود)، اوصاف الهی و خلسه عرفانی به رشته تحریر درآورده است.<sup>۳</sup> است.<sup>۳</sup> به نظر سید محمد نقیب العطّاس، فنصوری اولین نویسنده‌ای بود که زبان مالایی را برای بیان عقاید و تفکرات مستدل و نظام‌مند خود به کاربرد و بر این اساس باید وی را پدر ادبیات جدید مالایی دانست.<sup>۴</sup> فنصوری در شعر نیز دست داشت و اشعار خود را در قالب «شعر»<sup>۵</sup> (یکی از قالب‌های شعری مالایی که از تمدن اسلامی و ادبیات عربی اقتباس شده بود) بیان می‌کرد.<sup>۶</sup>

### شمس‌الدین سوماترانی<sup>۷</sup>

از عارفان و عالمان دینی مجمع‌الجزایر مالایی در قرن یازدهم/هفدهم است. نسبت «سمطرانی» نشان می‌دهد که شمس‌الدین به سمطرا<sup>۸</sup> (سمودره)<sup>۹</sup> ناحیه‌ای واقع در شمال سوماترا<sup>۱۰</sup> پیوند دارد.<sup>۱۱</sup> از اولین سال‌های زندگی او اطلاع زیادی در دست نیست اما از نخستین دهه قرن یازدهم/هفدهم در دربار سلطان اسکندر مودا<sup>۱۲</sup>، مقتدرترین حکمران آچه، موقعیت ممتازی پیدا کرد و با عنوان شیخ‌الاسلام و مشاور دینی به تمشیت امور مذهبی پرداخت و حتی در مواقعی به نمایندگی از سلطان در گفتگوهای سیاسی شرکت می‌کرد. شمس‌الدین شاگرد برجسته حمزه فنصوری بود.<sup>۱۳</sup>

1. Ibid, p.674.

2. Baldick, *Mystical Islam and introduction of Sufism* , p.163.

3. Knysh, op.cit., p.286

4. Hamid, art.cit., p207.

5. sya`ir

6. Hamid, art.cit., p.229.

7 . Shamsuddin Sumatrani

8. Samatra

9. Samudra

10. Sumatra

11. Jhons, "Shams Al-Din Al-Samatrani", *EI2*, vol.9, p.296.

12. Iskandar muda

13. Knysh, Loc.cit. ; Jhons, Loc.cit.

شمس‌الدین نویسنده‌ای پرکار بود و بر زبان‌های مختلفی تسلط داشت و به عربی و مالایی می‌نوشت. بیشتر آثارش مربوط به کلام و عرفان است. او مانند استادش تحت تأثیر مکتب محی‌الدین عربی و عبدالکریم جیلی بود. البته معلوم نیست که او دقیقاً به کدام طریقه تصوف تعلق داشته اما احتمالاً مانند استادش پیرو طریقه قادریه بوده است.<sup>۱</sup>

از میان آثار عربی شمس‌الدین، جوهرالحقایق از همه مهم‌تر است. این اثر در سنت محی‌الدین عربی نوشته شده است و مشتمل بر تعالیم صوفیانه متعددی است و شاید در میان نوشته‌های آسیای جنوب شرقی اولین اثری باشد که به اشعار تائیه ابن فارض استشهاد کرده است.<sup>۲</sup>

فعالیت‌های صوفیانه شمس‌الدین با مرگ سلطان اسکندر مودا و با قدرت گرفتن صوفی متشرعی به نام رانیری رو به افول نهاد. او در حکومت سلطان اسکندر ثانی (۱۶۳۶-۱۶۴۱م) به مقام شیخ‌الاسلامی دست یافت و فرمان سوزاندن کتاب‌های فنصوری و سمطرانی را صادر کرد.<sup>۳</sup>

#### عبدالصمد پالمبانی<sup>۴</sup>

عبدالصمد در ۱۱۱۶/۱۷۰۴م در پالمبانگ مرکز ایالت سوماترای جنوبی در اندونزی به دنیا آمد و در ۱۲۰۳/۱۷۸۹م در ۸۵ سالگی درگذشت.<sup>۵</sup> پالمبانی تحصیلات مقدماتی را در کداه<sup>۶</sup> و پاتانی<sup>۷</sup> (واقع در مالزی امروزی) گذراند و برای تکمیل تحصیلات راهی جزیره‌العرب شد و در حرمین سکونت گزید. با اینکه او عمیقاً به مسلمانان سوماترا علاقه داشت<sup>۸</sup>، هرگز به آنجا بازنگشت اما شاگردانش نوشته‌های او را به جنوب شرق آسیا بردند و تفکر اسلامی آن منطقه را تحت تأثیر قرار دادند.<sup>۹</sup> هدف اصلی تعالیم عبدالصمد، هماهنگی تصوف با شریعت بود و هرچند که او و همفکرانش موجب گسترش طریقت‌هایی چون سمّانیه، خلوتیه، نقشبندیه و

1. Azra, "Education, law, mysticism...", p.168; Maier, art.cit., p.29.

2. Jhons, Loc.cit.; Knysh, op.cit., p.287.

3. Jhons, Loc.cit.; Hamid, art.cit., p.214.

4. Abd al-Samad al-Palimbani

5. Khan, *Islam in Modern Asia*, p.184-185.

6. Kedah

7. Patani

8. Azra, Loc.cit.

9. Feener, *Islam in world cultures, comparative perspectives*, p.190.

قادریه شدند ولی بر اهمیت شریعت در طریق عرفان تأکید می‌کردند.<sup>۱</sup> عبدالصمد از دو متفکر برجسته عالم اسلام، ابن عربی و غزالی، متأثر بوده است. او در آثار خود به پیروی از ابن عربی، به بحث وحدت وجود توجه کرده است؛ عبدالصمد وجودیه (پیروان وحدت وجود) را به دو دسته تقسیم می‌کرد: اول وجودیه ملحد و دوم وجودیه موحد. او معتقد بود که پیروان قسم اول صوفیانی گمراه و دروغین‌اند. اشتباه آنان در این است که می‌پندارند خدا خود را در موجودات انسانی و سایر مخلوقات متجسد کرده است. از این رو عبدالصمد از این مدعیان صوفی‌نما که از تعالیم اصلی و صحیح تصوف غافل بودند، انتقاد می‌کرد.<sup>۲</sup>

## ۲- ناقدان ابن عربی

### نورالدین رانیری<sup>۳</sup>

رانیری صوفی، فقیه، متکلم، نویسنده، تاریخ‌نگار، واعظ و سیاستمدار مسلمان در اوایل قرن یازدهم/ هفدهم است و او را باید مدافع تصوف راست‌آیین و مخالف وحدت وجود در جهان مالایی به شمار آورد.<sup>۴</sup> ظاهراً رانیری آغازگر جریان اصلاح دینی در جهان مالایی و از مهم‌ترین ترین شخصیت‌های این جریان است که در روند اسلامی‌شدن این منطقه نقش مهمی داشته و تألیفات فراوان وی، از شروح و تفاسیر دینی تا آثار مفصل تاریخی بر غنای ادبیات مالایی افزوده است.<sup>۵</sup>

رانیری تحت تأثیر عمومیش و بسیاری دیگر از عالمان حضرمی با تمایلاتی صوفیانه رشد کرد. او آموزش‌های مقدماتی را در رانیر<sup>۶</sup> (واقع در ایالت راجستان هند) آموخت و برای پیگیری تحصیلاتش راهی حضرموت شد. درباره مدت اقامت و استادانش در حضرموت و بازگشتش به رانیر پس از ترک حضرموت، اطلاعی در دست نیست؛ اما به احتمال زیاد در

1. Azra, "education, law, mysticism...", p.176.

2. Ibid, p.176-177; Azra, "Islam in Indonesian world...", p.144-146.

2. Nuruddin al-Raniri

4. Gin, "Nuruddin Al-Raniri", *Southeast Asia: A Historical Encyclopedia from Angkor Wat to East Timor*, Vol.3, p. 986 ; Ricklefs, *A History of Modern Indonesia c.1200 to present*, p.56; Azra, "education, law, mysticism...", p.172.

5. Azra, Loc.cit; Idem, "The Origins of Islamic Reformism in South East Asia: Networks of Malay-Indonesian and Middle Eastern 'Ulama' in the Seventeenth and Eighteenth Centuries", p. 65,67; gin, Loc.cit.

6. Ranir



۱۶۲۰/۱۰۳۰ یا ۱۶۲۱/۱۰۳۱ م برای مناسک حج در مکه و مدینه بوده است. همچنین به ظن قوی پیش از بازگشت به گجرات با دانشجویان و زائران جاوی در حجاز مراوداتی داشته است. ظاهراً در دهه بعد از آن نیز، در پاهانگ (واقع در مالزی امروزی) - که در آن زمان تحت حاکمیت آچه قرار داشت - به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. احتمالاً کسب فصاحت در زبان مالایی باید حاصل این دوره بوده باشد.<sup>۱</sup> رانیری را از پیروان احمد سرهندی (متوفی ۱۰۳۵/ق ۱۶۲۵ م)، صوفی اصلاح طلب هندی نیز دانسته‌اند. اما نکته مهم این است که او در هیچ‌یک از آثارش اشاره‌ای به افکار و آثار سرهندی نکرده است. با وجود این، چنین به نظر می‌رسد که باید با سرهندی و انتقادات معروفش به ابن عربی و نظریه وحدت وجود او کاملاً آشنا بوده باشد؛ چرا که در حملاتش به عارفان وحدت وجودی، با سرهندی بسیار نزدیک و همسوست.<sup>۲</sup>

رانیری در ۶ محرم ۱۰۴۷/۳۱ می ۱۶۳۷ بعد از مرگ حاکم مشهور آچه، سلطان اسکندر مودا<sup>۳</sup> (حک. ۱۶۰۷/۱۰۱۵-۱۶۳۶/۱۰۴۵) - که حامی مکتب عرفانی حمزه فنصوری و شاگردش شمس‌الدین سوماترانی بود- به آچه آمد.<sup>۴</sup> از نظر رانیری وضعیت معنوی آچه در طول حکومت سلطان اسکندر مودا به دلیل گسترش اندیشه‌های عرفانی فنصوری و شمس‌الدین در شرایط ناسالمی قرار داشت. شمس‌الدین یکی از مشهورترین دانشمندان آچه و مورد تکریم و احترام دربار بود و نظریات عرفانی او شمار زیادی از درباریان از جمله خود سلطان را جذب کرده بود. پس از مرگ او در سال ۱۰۴۰/۱۶۳۰ م شاگردانش همچنان مورد لطف سلطان اسکندر مودا قرار داشتند و بدین ترتیب حیات معنوی در آچه تحت تأثیر آنها بود. اما با مرگ سلطان اوضاع تغییر کرد. جانشین او، سلطان اسکندر ثانی (حک ۱۰۴۳/۱۶۳۳-۱۰۵۱/۱۶۴۱ م).

1. Pahang

2. Azra, Loc.cit; Idem, "The Origins of Islamic Reformism...", p.55,56; Gin, Loc.cit; Hooker, "Gardens of Knowledge: from Bustan to Taman": *Lost times and Untold Tales from The Malay World*, p.343; Riddell, "Shari`a- Mindedness in The Malay World and The Indian Connection: The Contributions of Nur al-Din al-Raniri and Nik Abdul Aziz Bin Haji Nik Mat": *Islamic connections: Muslim Societies in South and Southeast Asia*, p.176.

3. al-Attas, *Raniri And Wujudiyah of 17th Century Acheh*, p.13; Riddell, *Islamic and The Malay-Indonesian World: Transmission and Responses*, p. 124.

4. Sultan Iskandar Muda

5. gin, Loc.cit; Azra, Loc.cit; Idem, " *The Origins of Islamic Reformism...*", p.59; Hooker, Loc.cit.

در مقایسه با سلف خود خلق و خوی دیگری داشت و رانیری به زودی مورد توجه سلطان قرار گرفت.<sup>۱</sup> او با حمایت سلطان جدید، اسکندر ثانی و پس از او همسر و جانشینش، سلطانه تاج‌العالم صفیه‌الدین شاه (حک ۱۶۴۱/۱۰۵۱ - ۱۶۷۵/۱۰۸۶ م.) به منصب شیخ‌الاسلامی، که یکی از بالاترین مقامات در دربار پس از سلطان به شمار می‌رفت و عالمان بزرگی نظیر حمزه فنصوری و شمس‌الدین سوماترانی پیش از او و عبدالرئوف سینگیلی پس از او نیز این مقام را دارا بوده‌اند، دست یافت و بدین ترتیب نقش و اهمیت رانیری در افزایش فرآیند اسلامی شدن این منطقه به عنوان شیخ‌الاسلام حکومت و مشاور اصلی سلطان در موضوعات گوناگون مذهبی یا سیاسی، کاملاً مشهود است.<sup>۲</sup> او هفت سال در آچه به عنوان عالم، مفتی و نویسنده‌ای پرکار و توانا به نفی مکتب «وجودیه» (وحدت وجود) همت گماشت. او حاکمان آچه را به مخالفت با وجودیه برانگیخت و با صدور حکم تکفیر پیروان فنصوری و شمس‌الدین به قتل آنان و سوختن کتاب‌هایشان دست یازید.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب رانیری به ظن خود به «تطهیر» عرفان و تصوف از بدعت‌ها و تعالیم کفرآلود وجودیه و در مقابل به تقویت اعتقاد صحیح «وحدت شهود» توفیق یافته بود.<sup>۴</sup> مهم‌ترین محورهای مخالفت رانیری با عقاید حمزه فنصوری به عنوان نماینده و مروج اصلی عرفان وحدت وجودی و مکتب ابن‌عربی عبارت‌اند از: همسانی باورهای فنصوری راجع به خدا، جهان، انسان و ارتباط میان آنها و به‌طور خلاصه درباره واقعبیت با اعتقادات فیلسوفان، زردشتیان، اهل تجسیم و برهمن‌ها؛ اعتقاد فنصوری به وحدت وجود یعنی باور به سریان ذات خدا در هستی و تعینات؛ بسیط دانستن وجود خدا مانند فیلسوفان؛ مخلوق دانستن کلام خدا نظیر قدریه و معتزله؛ باور به ازلیت هستی مانند فیلسوفان.<sup>۵</sup> العطاس بر این باور است که

1. gin, Loc.cit; al-Attas, *Raniri And Wujudiyah...*, p.14.

2. Azra, "education, law, mysticism...", p.59,67; Idem, "The Origins of Islamic Reformism...", p.59,67; Voorhoeve, *Classical Civilizations of South East Asia*, p. 32.

3. Azra, "The Origins of Islamic Reformism...", p.59,63; Ricklefs, Loc.cit; Reid, "Islamization and Christianization in southeast Asia: The Critical Phase, 1550-1650" in *southeast Asia in the Early Modern Era: Trade, Power and Belief*, p.175; Federspiel, *Sultans, Shamans, and Saints, Islam and Muslims in Southeast Asia*, p.68-69; Hadi, *Islam and State in Sumatra: A Study of Seventeenth-Century Aceh*, p.155; Djajadiningrat, "Islam in Indonesia", in *Islam- The Straight Path*, p.395.

4. Gin, Loc.cit; Hamid, *Ibid*, p.213-214.

5. al-Attas, *Raniri And Wujudiyah...*, p.18; gin, Loc.cit; Andaya, "Religious Developments in Southeast Asia, c.1500-1800" in *The Cambridge History of Southeast*

مخالفت رانیری با پیروان مکتب وحدت وجود بیشتر از سر جاه طلبی و برای رسیدن به مقام و منصب در دربار بوده است. علاوه بر این، از آثار او چنین بر می آید که فهم درستی از نظریات صوفیانه از جمله نوشته های فنصوری ندارد. شاید رانیری تسلط کافی بر زبان و ادبیات مالایی برای درک صحیح و دقیق زبان نمادین آثار فنصوری را نداشته است.<sup>۱</sup>

نکته دیگری که در تحلیل شخصیت انعطاف‌ناپذیر و رفتارهای تندروانه رانیری تا اندازه‌ای باید مطرح نظر قرار گیرد، تجربه زندگی گذشته‌اش در محیطی پرتنش و درگیری‌های دیرینه اجتماعی و مذهبی بین اقلیت مسلمان و اکثریت هندو و ارتباط او با شبکه‌های اصلاح‌طلب و افراطی اسلامی در هند است. رانیری به دنبال تضعیف موقعیتش در ۱۶۴۴/۱۰۵۴ آچه را به قصد رانیر ترک گفت. وی ۱۴ سال بعد، در ۱۶۵۸/۱۰۶۹ م. در همانجا درگذشت.<sup>۲</sup>

### عبدالرئوف سینگیلی<sup>۳</sup>

عبدالرئوف بن علی جاوی فنصوری سینگیلی<sup>۴</sup>، مالایی و اهل سینگیل / سینگیل<sup>۵</sup> واقع در شمال فنصور<sup>۶</sup> در ناحیه ساحلی آچه و در قسمت غربی سوماترا<sup>۷</sup> است. ظاهراً در حدود ۱۰۲۹/۱۶۲۰ تا ۱۰۲۴/۱۶۱۵ تولد و در حدود ۱۱۰۵/۱۶۹۳ وفات یافت و در آچه<sup>۸</sup> به خاک سپرده شد. امروزه آرامگاه وی مهم‌ترین مکان زیارتی در آچه به‌شمار می‌رود.<sup>۹</sup> اطلاع دقیقی از پیشینه خاندان سینگیلی در دست نیست، اما گزارشی مبنی بر آمدن اجداد سینگیلی از ایران به سلطنت سمودرا پاسای<sup>۱۰</sup> در اواخر قرن سیزدهم/ششم وجود دارد. آنها بعدها در فنصور

---

*Asia*, V.1, p.540; Christomy, *Signs of The Wali: Narratives at The Sacred Sites in Pamijahan, West Java*, p.98.

1. al-Attas, *Raniri And Wujudiyah...*, p.17.

2. Azra, "The Origins of Islamic Reformism...", p.62,64; Riddell, "Shari`a- Mindedness in The Malay World...", p.177; Andaya, Loc.cit; Taylor, *Indonesia: People and Histories*, p. 110; Gibson, , *Islamic Narrative and Authority in Southeast Asia: from the 16th to the 21th Century*, p.69.

5- Abdurra'uf Sinkili

4 . Abd al-Rauf B. Ali al- Djawi al- Fansuri A- Sinkili

5 . Singkil/Singkel

6 . Fansur

7 . Sumatra

8 . Aceh River

9. Azra, "The Origins of Islamic Reformism...", p.70,80,86; Riddell, *Islamic and The Malay-Indonesian World...*, p. 125,128; Voorhoeve, " Abd al-Rauf", *EI 2* ,vol.1, p. 88.

10 . Samudra-Pasai

سکنی گزیدند. بنا به نقل دیگری پدرش شیخ علی، واعظی عرب بود که با دختری اهل فنصور ازدواج کرد. ظاهراً سینگیلی با حمزه فنصوری خویشاوندی داشته است.<sup>۱</sup>

او ابتدا علوم اسلامی را نزد پدرش آموخت. این احتمال نیز وجود دارد که مدتی را نزد سمطرائی به تحصیل مشغول بوده و پس از آن از حدود ۱۰۵۲/۱۶۴۲ به مدت نوزده سال در نواحی مختلف شبه جزیره عربستان نظیر یمن، جدّه و در نهایت مکه و مدینه به تحصیل مشغول شده باشد. او در مدینه نزد احمد قشاشی<sup>۲</sup> (متوفی ۱۰۷۱/۱۶۶۰) و جانشینش، ابراهیم کورانی<sup>۳</sup> (متوفی ۱۱۰۱/۱۶۹۰) عرفان آموخت و به طریقه شطّاریه<sup>۴</sup> وارد شد. ظاهراً قشاشی سینگیلی را در دو طریقه شطّاریه و قادریه به عنوان خلیفه خویش منسوب کرد.<sup>۵</sup> سینگیلی در حدود ۱۰۷۲/۱۶۶۱ برای تبلیغ و ترویج اسلام در ابعاد ظاهری و باطنی به آچه بازگشت. او اولین صوفی مالایی است که طریقه شطّاریه را در شرقی‌ترین بخش‌های مجمع‌الجزایر مالایی (سوماترا، جاوه و شبه جزیره مالایی)<sup>۶</sup> تأسیس کرد. بعدها این طریقه با مساعی شاگردانش انتشار یافت.<sup>۷</sup>

در این ایام، آچه صحنه منازعات پیروان وجودیه و رانیری بود. سینگیلی به لحاظ سنت اصلاح دینی، روشی مشابه رانیری - با رویکردی متفاوت از وی - داشت. او از یک سو به تندروی‌ها و دیدگاه‌های متعصبانه رانیری و از سوی دیگر به تعالیم وجودیه، به ویژه حمزه فنصوری و شمس‌الدین سمطرائی به نرمی انتقاد می‌کرد. در حقیقت او می‌کوشید با پرهیز از جانبداری، بین این دو دیدگاه مخالف، سازش برقرار کند. هدف اصلی او، هماهنگ کردن شریعت و طریقت (تصوّف) بود. سینگیلی تعالیم طریقه شطّاریه را مطابق با شریعت و مورد قبول اهل سنت و جماعت می‌دانست و به همین دلیل می‌کوشید نظر پیروان

1. Azra, "The Origins of Islamic Reformism...", p.71; Riddell, *Islamic and The Malay-Indonesian World...*, p.125.

2. al- Qushashi

3. Kurani

4. Shattariyya

5. Azra, "The Origins of Islamic Reformism...", p.71,73,74,75,77; al-Attas, *Some Aspects of Sufism...*, p.29; Laffan, *Islamic Nationhood and Colonial Indonesia*, p.14,17; Laffan, *The Makings of Indonesian Islam: Orientalism and the Narration of a Suffi Past*, p.18.

6. Jawa

7. al-Attas, Loc.cit; Azra, "The Origins of Islamic Reformism...", p.77; Lapidus, op.cit, p.474.

وجودیّه را به این طریقه جلب کند.<sup>۱</sup>

### جمع‌بندی

میراث فکری ابن عربی علیرغم مخالفت‌های فراوان فقیهان و صوفیان متشرّع نظیر رانیری، تأثیر بسیاری در ساختار و فهم اندیشه دینی در جهان مالایی بر جای نهاد. اگرچه این مخالفت‌ها در قرن اخیر با قدرت گرفتن جریان‌های اصلاح‌طلب و سلفی تا حدی از گسترش مکتب ابن عربی جلوگیری کرد اما همچنان برای فهم میراث اسلامی و خصوصاً تصوّف این منطقه نیازی ضروری به شمار می‌رود. مواجهه‌ای که در این منطقه بسیار دور از سرزمین‌های اصلی اسلامی، با اندیشه ابن عربی صورت بست، با دیگر نقاط جهان اسلام شباهت فراوانی دارد؛ از سوء استفاده حاکمان از نظریه انسان کامل در این مکتب گرفته تا جنجال‌های متشرّع‌ان بر سر وحدت وجود و تکفیر معتقدان و پیروان این نظریه.

در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که تا به امروز، تصوّف منطبق با شریعت در آسیای جنوب شرقی موفق‌تر بوده است و آثار رانیری و سینکیلی رواج بیشتری داشته و معمولاً عالمان دینی نیز طرفدار تصوّف جنید، قشیری و غزالی بوده‌اند. بعلاوه، تقریباً از ابتدای گسترش تصوّف در این منطقه تاکنون، فقهای آن، خود از صوفیه بوده‌اند و ازینرو مخالفتی با تصوّف سازگار با شریعت ندارند.

---

1. Azra, "education, law, mysticism...", p.174; al-Attas, Loc.cit; Hamid, art.cit, p.215; Christomy, op.cit, p.98; Federspiel, op.cit, p.69.

## منابع و مأخذ

- 1\_ Andaya, Barbara Watson, "Religious Developments in Southeast Asia, c.1500-1800" in *The Cambridge History of Southeast Asia*, V.1, Cambridge University Press, 1994.
- 2\_ al-Attas, Syed Muhammad Naguib, *Some Aspects of Sufism as Understood and Practised Among the Malays* .Singapore: Malaysian Sociological Research Institute, 1963.
- 3\_ -----, *Raniri and the Wujudiyah of 17<sup>th</sup> Century Aceh*, MBRAS, Singapore, 1966.
- 4\_ -----, *The Mysticism of Hamzah Fansuri*, university of Malaya Press, Kuala Lumpur, 1970.
- 5\_ Azra, Azyumardi, "Opposition to Sufism in the East Indies in the seventeenth and eighteenth centuries", in *Islamic mysticism contested: thirteen centuries of controversies and Polemics*, ed. Fredrick de Jong and Bernd Radtke Leiden: Brill, 1999.
- 6\_ -----, "Education, Law, Mysticism: constructing social realities", in *Islamic civilization in the Malay world*, ed. Mohd. Taib Osman, Kuala Lumpur: Dewan Bahasa dan Pustaka, 1997.
- 7\_ -----, *Islam in Indonesian world: an account of institutional formation*, Indonesia, 1996.
- 8\_ -----, *The Origins of Islamic Reformism in South East Asia: Networks of Malay-Indonesian and Middle Eastern 'Ulama' in the Seventeenth and Eighteenth Centuries*, Published in Australia by Allen & Unwin, 2004.
- 9\_ Baldick, Julian, *Mystical Islam and introduction of Sufism* , London, 2000.
- 10\_ Bruinessen, Martin van, "Origins and development of the Sufi orders (tarekat) in Southeast Asia", *Studia Islamika* (Jakarta), vol. I, no.1, 1994.
- 11\_ Cederroth, Sven, "Indonesia and Malaysia", in *Islam outside the Arab world* , ed. David Westerlund and Ingvar Svanberg ,Richmond: Curzon, 1999.
- 12\_ Christomy, Tommy, *Signs of The Wali: Narratives at The Sacred Sites in*

*Pamijahan, West Java*, ANU Press, Canberra, 2008.

13. Djajadiningrat, P. A. Hoesein, "Islam in Indonesia", in *Islam- The Straight Path*, E.D. by Kenneth W. Morgan, Motilal Banarsidass, Delhi, 1987.

14. Federspiel, Howard M., *Sultans, Shamans, and Saints, Islam and Muslims in Southeast Asia*, University of Hawai'i Press, Honolulu, 2007.

15. Feener, R. Micheal, *Islam in world cultures, comparative perspectives*, Santa Barbara, 2004.

16. Gibson, Thomas, *Islamic Narrative and Authority in Southeast Asia: from the 16<sup>th</sup> to the 21<sup>th</sup> Century*, Macmillan, 2007.

17. Gin, Ooi keat, "Nuruddin Al-Raniri", *Southeast Asia: A Historical Encyclopedia from Angkor Wat to East Timor*, V.1, E.D. by Ooi Keat Gin, editor ooi keat gin, Santa Barbara, California, United States 2004.

18. Hadi, Amirul, *Islam and State in Sumatra: A Study of Seventeenth-Century Aceh*, Brill, Leiden - Boston, 2004.

19. Hamid, Ismail "kitab jawi: intellectualizing" in *Islamic civilization in the malay world*, by mohd taib osman, kuala lampur and Istanbul ,1997.

20. Hooker, Virginia, "Gardens of Knowledge: from Bustan to Taman" in: *Lost times and Untold Tales from The Malay World*, E.D by. Jan Van Der Putten, NUS Press, Singapore, 2009.

21. Jhons, A.H., "Shams Al-Din Al-Samatrani", *Encyclopaedia of Islam*, vol.9, Edited by C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs and the late G. Lecomte, leiden, Brill,1997.

22. Khan, I. K, *Islam in Modern Asia*, new Delhi , 2006.

23. Knysh, Alexander, *Islamic mysticism: a short history*, Leiden, 2000.

24. Laffan, Michael Francis, *Islamic Nationhood and Colonial Indonesia*, Routledge Curzon, London and New York, 2003.

25. -----, *The Makings of Indonesian Islam: Orientalism and the Narration of a Suffi Past*, U.S.A, 2011.

26. Lapidus, M. Ira, *A history of Islamic societies* , Cambridge, 1991.

27. -Maier, Hendrik M.J., "Malay and Indonesian literature", *The Oxford*

- encyclopedia of the modern Islamic world*, ed. John L. Esposito, New York, 1995.
- Marcinkowski, Christoph, *From Isfahan to Ayutthaya*, Singapore 2005.
28. Ricklefs, M.C., *A History of Modern Indonesia c.1200 to present*, Macmillan Education, London and Basingstoke, 1981.
29. Reid, Anthony, "Islamization and Christianization in southeast Asia: The Critical Phase, 1550-1650" in *southeast Asia in the Early Modern Era: Trade, Power and Belief*, E.D by. Anthony Reid, Cornell University, New York, 1993.
30. Riddell, Peter, *Islam and the Malay- Indonesian world*, Honolulu, 2001.
31. -----, "Shari`a- Mindedness in The Malay World and The Indian Connection: The Contributions of Nur al-Din al-Raniri and Nik Abdul Aziz Bin Haji Nik Mat" in: *Islamic connections: Muslim Societies in South and Southeast Asia*, E.D by. R. Michael Feener, Institute of Southeast Asian Studies, Singapore, 2009.
32. Taylor, Jean Gelman, *Indonesia: People and Histories*, Yale University Press, New Haven & London, 2003.
33. Voorhoeve, P., " Abd al-Rauf" ,*Encyclopedia of Islam*(Second Edition), vol.1.
34. -----, *Classical Civilizations of South East Asia*, E.D by. Vladimir Braginsky, London, 2002.